

مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی
سال چهاردهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۲۸)، صص ۱۹۷-۲۲۶
DOI: 10.22099/JCLS.2023.41319.1890

بررسی ویژگی‌های سبکی محمود کیانوش و ناصر کشاورز

فرزانه فرازمنند*

محمود صادق‌زاده**

هادی حیدری‌نیا***

چکیده

در مقاله‌ی حاضر به بررسی ویژگی‌های سبکی دو نفر از نویسندگان و شاعران مطرح ادبیات کودک در دوره‌ی معاصر، محمود کیانوش و ناصر کشاورز پرداخته شده است. هر کدام از این شاعران کودک از امکانات شعر کودک به شکلی خاص بهره می‌برند که با دیگری تفاوت دارد و هر یک به عناصر خاصی از شعر کودک توجه بیشتری نشان می‌دهند. روش تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و نوع آن، توصیفی تحلیلی است. کشاورز با

* دانشجوی دکتری پژوهش محور زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Farzanefarazmand@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسندهٔ مسئول)

sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

heidari._hadi_pnuk@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴/۱/۲۰۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱/۸/۱۴۰۲

بهره‌جستن از صنایع ادبی در آفرینش تصاویر، ایجاد حس و شور، تقویت بُعد موسیقایی و زیبایی‌شناختی اشعار خویش و نیز در به‌کارگیری علم بیان (لفظی و معنوی) موفق بوده است. وی را به‌عنوان یکی از شاعران نوگرا و صاحب سبک در شعر کودک و نوجوان نام می‌برند که اولین شعرش در سال ۱۳۶۲ منتشر شد. آثار وی چنان دلنشین و جذاب است که برای بزرگسالان نیز جذابیتی ویژه دارد. او تاکنون جوایز متعددی در حوزه‌ی شعر کودک و نوجوان دریافت کرده است. کیانوش از یک‌سو به‌دلیل آشنایی با ادبیات جهان و از سوی دیگر به سبب پیوندی که با دنیای بچه‌ها داشت، توانست شعرهایی بگوید که هم وجهی ادبی نیرومند داشته باشد و هم مناسب دنیای کودکان باشد و ضمناً در پیوندی همه‌جانبه با آموزه‌های جاری در نظام آموزشی کشور قرار بگیرد. او توانست با تصرف در وزن‌ها و قالب‌های شعر کهن، وزن‌ها و قالب‌های گوناگون اما متناسب برای کودکان و نوجوانان بسازد و در واقع جریان‌ساز باشد.

واژه‌های کلیدی: شعر کودک، محمود کیانوش، ناصر کشاورز، ویژگی‌های سبکی.

۱. مقدمه

ادبیات کودکان یکی از گونه‌های مهم در ادبیات است که نسبت به گونه‌های دیگر توجه چندانی از طرف جامعه‌شناسان ادبیات به آن نشده است. دوره‌ی کودکی پایه‌ای برای شکل‌گیری شخصیت جوامع بعدی در آن است؛ از همین رو برخی از متفکران بر این باورند: «آن‌گونه که کودکان زیستند، سرنوشت جوامع بعدی نیز همان‌گونه خواهد بود». بنابراین اهمیت و ارزش دوره‌ی کودکی به‌مثابه اولین مرحله در ساختن جوامع بشری روشن می‌گردد» (کوثری، ۱۳۷۹: ۵۶).

به‌طورکلی، «ادبیات کودکان به‌صورت نوین آن، از عصر مشروطه آغاز شده، اما سال‌های سرایش انبوه آن دهه‌ی ۱۳۳۰ است. دهه‌ی ۱۳۴۰ سرایش این‌گونه شعرها چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی، شتاب بیشتری به خود گرفت» (حجازی، ۱۳۸۷: ۳۱). در مجموع، این شتاب با افت‌وخیزهایی تا دوره‌ی انقلاب ادامه یافت. پس از انقلاب، به‌رغم وقفه‌ای چندساله در نگارش و نشر ادبیات کودکان، این‌گونه‌ی ادبی با درون مایه‌های جدید راهی نوین پیموده است. ادبیات کودکان از آن‌رو اهمیت فراوان دارد که

«بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه، دوره‌ی کودکی را مرحله‌ی خطیری در زندگی ملت‌ها می‌دانند. زیرا کودکان برای پذیرش یا رد بسیاری از افکار، باورها و عادت‌ها استعداد بسیاری دارند» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۶۷). و از آنجاکه ادبیات «در هر کشوری تحت تأثیر فرهنگ، اجتماع، اوضاع سیاسی و اقتصادی آن جامعه است، ادبیات کودکان و نوجوانان نیز در ایران از این مسئله مستثنی نیست و به هر میزان ادبیات کودک در یک جامعه از رشد و پیشرفت در محتوا و ساختار برخوردار باشد، کودکان آگاه و دانشمندی در این‌گونه جوامع رشد خواهند کرد» (غفاری و اصغرنژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۲). برای اینکه ادبیات کودک در یک جامعه بالنده و پویا باشد، باید براساس برنامه‌ریزی‌های علمی و مدون و نیازهای کودکان جامعه پیش برود تا نقشه‌ی راه برای پرورش کودکانی خوش فکر و فرهیخته در خانواده و جامعه ترسیم شود.

بدین‌منظور، نقد و تحلیل آثار نویسندگان عرصه‌ی ادبیات کودک از حیث سبک‌شناسی، می‌تواند روش مؤثری در زمینه‌ی آسیب‌شناسی این آثار باشد و از این طریق می‌توان با برجسته‌کردن نقاط ضعف و قوت آثار، راهکارهایی سودمند برای هرچه بهترشدن محتوا و فرم و ساختار آثار مرتبط با ادبیات کودک ارائه داد.

۱. بیان مسئله

محمود کیانوش و ناصر کشاورز از جمله شاعران مطرح در حوزه‌ی شعر و ادبیات کودک و نوجوان هستند که آثار آن‌ها مخاطبان فراوانی در این گروه سنی دارد. مطالعه‌ی اشعار این دو شاعر نشان می‌دهد اگرچه مخاطبان آن‌ها از یک قشر هستند، اما سبک و شیوه‌ی بیان آن‌ها یکی نیست و تفاوت‌هایی در آثار آن‌ها دیده می‌شود؛ تفاوت‌هایی که ریشه در طرز فکر و تلقی آن‌ها از مخاطبان و همچنین سلیقه‌ی فکری و عاطفی آن‌ها دارد. بدیهی است که تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در سبک شعری کیانوش و کشاورز می‌تواند نکات و نتایج‌ی در پی داشته باشد. بنابراین در این مقاله به بررسی ویژگی‌های

سبکی شعر محمود کیانوش و ناصر کشاورز پرداخته‌ایم تا ضمن ارزیابی آثار آن‌ها، مهارت و توان آنان در خلق آثاری مرتبط با ادبیات کودک بر ما آشکار گردد.

۱. ۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

باتوجه به اینکه کودکان و نوجوانان به‌عنوان آینده‌سازان این مرز و بوم، برای رشد فکری و عاطفی، به آثار ادبی مرتبط با سن و سطح فکری خود نیاز دارند، پژوهشگران باید ضمن توجه ویژه به این حوزه، به آسیب‌شناسی آثار منتشرشده بپردازند تا شاید بتوانند طریقی مناسبی برای رشد متوازن و متناسب آثار ادبیات کودک بیابند. ازسوی دیگر، باتوجه به اینکه ساختار کلی شخصیت انسان در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد، اگر کودک بتواند مفاهیم متعالی و ارزشمند را از اطراف خود و متون ادبی خاص سن خود دریافت کند، به‌یقین زندگی موفق‌تری خواهد داشت و شخص مثمرتری برای جامعه‌ی خود خواهد بود. بر همین اساس، انجام پژوهش حاضر و پژوهش‌هایی از این دست، که به‌منظور ارائه‌ی راهکارهایی بهتر در زمینه‌ی خلق آثار ادبیات کودک است، اهمیت فراوانی داشته و انجام آن ضرورت دارد.

۱. ۳. پیشینه‌ی تحقیق

جستجو در پایگاه داده‌های پژوهشی نشان می‌دهد که اگرچه در برخی تحقیقات، آثار محمود کیانوش و ناصر کشاورز از برخی جنبه‌ها ازجمله زیبایی‌شناسی و مضمون بررسی شده، اما تاکنون تحقیقی درباره‌ی مقایسه‌ی ویژگی‌های سبکی این دو نویسنده و شاعر که متضمن مباحثی همچون زبان، سبک فکری و سطح ادبی باشد، انجام نشده است. پژوهش‌های همسو عبارت‌اند از:

زهرا خانی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی مضامین برجسته‌ی شعر کودک در اشعار عباس یمینی شریف، محمود کیانوش و ناصر کشاورز، به این نتیجه نائل آمده است که محمود کیانوش و ناصر کشاورز باتوجه به شناسایی

خواست‌های مخاطبان و علایق آن‌ها، مضامین مختلف را در اشعارشان آورده‌اند و از جمله شاعران موفق معاصر در حوزه‌ی شعر کودک و نوجوان هستند.

جواد زارع (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی جنبه‌های زیباشناسی شعر کودک و نوجوان (با تأکید بر آثار محمود کیانوش و ناصر کشاورز)*، اذعان داشته است که این دو نویسنده و شاعر از انواع فنون و آرایه‌های ادبی همچون تشبیه و تمثیل برای جذاب‌سازی اشعار خود بهره برده‌اند.

یحیی علوی‌فرد (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی سبک شناختی شعر کودک در ایران با بررسی شعر: محمود کیانوش، مصطفی رحماندوست، ناصر کشاورز، غلامرضا بکتاش، محمود پروهاب، تقی متقی*، با بررسی سبک‌شناسی تعداد نزدیک به سی جلد کتاب شعر کودک، به نتایج مختلفی از تحقیق خود دست یافته است؛ از جمله اینکه شعر کودک ویژگی‌هایی دارد که آن را از شعر بزرگ‌سال متمایز می‌سازد و هرکدام از شاعران، به عناصر خاصی از شعر کودک توجه بیشتری نشان داده‌اند و در نهایت شعر کودک این قابلیت را دارد که به‌عنوان سبک ادبی متمایزی خود را مطرح کند.

زهره سرخی‌زاده (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خویش با عنوان *بررسی و تطبیق صور خیال در اشعار کودکانی محمود کیانوش و سلیمان العیسی*، به چگونگی بهره‌گیری این شاعران در حوزه‌ی صور خیال پرداخته و ابعاد خیال و تصویرسازی‌های موجود در شعر آن‌ها را با نگاهی تطبیقی بررسی و تحلیل کرده است.

نرگس برهمند (۱۴۰۱) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان *بررسی تصاویر (ایماژهای) شاعرانه در شعر کودک ناصر کشاورز و محمود کیانوش با تأکید بر کتاب‌های شعر چاپ شده از این دو شاعر در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*، تصویرآفرینی این شاعران را مدنظر قرار داده و در طول پژوهش، تمرکز خود را روی بررسی آثار آنان قرار داده است و در نهایت نیز نتیجه‌ای مبنی بر احقاق اهداف تصویرسازی در نوشته‌های آن رسیده است.

عباس صیادی دریاکناری (۱۳۹۶) در پژوهش خود، کارکردهای ابزار شعر در شعرهای محمود کیانوش را بررسی کرده است.

رضایی دیل و نظری (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی سبکی قصه‌های منظوم ناصر کشاورز» به بررسی و تحلیل چهل و دو قصه‌ی منظوم کشاورز که طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۵ سروده شده‌اند؛ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که کشاورز در قصه‌های منظوم آغازین خود بیشتر به استفاده از زبان نوشتاری گرایش داشته است؛ اما در کارهای بعدی خود به استفاده از زبان گفتاری و بهره‌گیری از لغات و تعبیرات عامیانه و کودکانه روی آورده است. در سطح شعری نیز کشاورز از وزن‌های سنگین و آرام فاصله گرفته و از وزن‌هایی با ضرباهنگ تندتر و موسیقی پر نشاط‌تر بهره برده است.

رامین محرمی و دیگران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی دو مجموعه‌ی «طوطی سبز هندوستان» و «بچه‌های جهان» از محمود کیانوش پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اشعار کیانوش، هم از نظر ساختار و هم از نظر محتوا برای کودکان مناسب است؛ در واقع، شعر وی براساس مقتضای حال مخاطب (گروه‌های سنی مختلف کودکان) سروده شده است.

۱.۴. روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، کتابخانه‌ای و مبتنی بر سندپژوهی است که با بررسی و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل محتوا و از طریق طبقه‌بندی موضوعی، تطبیق و تجزیه و تحلیل یادداشت‌ها انجام شده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. سبک و سبک‌شناس

پژوهشگران سبک را این‌گونه تعریف می‌کنند: سبک عبارت است از مختصات مکرری که در یک اثر امکان بررسی داشته باشد. بنابراین سبک‌شناسی عبارت است از یک نظام

(دارای چهارچوب‌هایی برای بررسی) که به بررسی کیفیت و چگونگی این مختصات می‌پردازد (رک. شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۳). البته اشخاصی مثل ویتا گرادوف بر این باورند که شاید مشکل‌ترین اصطلاح در ادبیات، واژه‌ی سبک باشد، از این رو تعریف معینی ندارد. اما به هر حال هر دسته از پژوهشگران بنا بر مبانی نظری خود، تعاریف متفاوتی از سبک‌شناسی ارائه کرده‌اند. سیروس شمیسا به عنوان پژوهشگری که در زمینه‌ی سبک‌شناسی آثار ارزشمندی دارد، معتقد است که «سبک‌شناسی علم یا نظامی است که از سبک بحث می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد یا به عبارت دیگر ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار یک شخص را گویند. وحدت مزبور می‌تواند منبعث از تکرار عوامل یا مختصاتی باشد که در آثار کسی هست و توجه خواننده‌ی دقیق و کنجکاو را جلب می‌نماید» (همان: ۱۴).

در مجموع، پنج نظریه‌ی مهم در سبک‌شناسی مدرن و علمی وجود دارد. این پنج نگرش عبارت‌اند از: سبک‌شناسی زبان‌شناسی، سبک‌شناسی توصیفی، سبک‌شناسی تکوینی، سبک‌شناسی نقش‌گرا و سبک‌شناسی ساخت‌گرا.

۲. ۱. ۱. سبک‌شناسی زبان‌شناسانه

زبان‌شناسان معتقدند سبک یعنی تکرار مختصات زبانی در یک اثر (ویژگی‌های مکرر زبانی مانند؛ آوا، واژه، اصطلاح و... در مجموعه‌ی آثار یک فرد) (ابومحبوب، ۱۳۷۴: ۶۴). دو نکته در این تعریف اهمیت دارد: نکته‌ی اول؛ اساس در سبک، زبان است. نکته‌ی دوم؛ سبک از بررسی در مجموعه‌ی آثار یک فرد به دست می‌آید، نه یک عصر یا یک گروه. باتوجه به این دو نکته، متوجه خواهیم شد که سبک‌شناسی زبان‌شناختی نمی‌تواند کامل باشد، هر چند گستردگی آن بیشتر از انواع سبک‌شناسی است.

۲. ۱. ۲. سبک‌شناسی توصیفی

شاربالی و پیروان این مکتب معتقدند که زبان‌شناسی نمی‌تواند در ساختارهای عاطفی پاسخ‌گو باشد. آن‌ها می‌گویند ما باید در سبک‌شناسی بار عاطفی متون را مدنظر قرار بدهیم. شیوه‌ی آن‌ها در بررسی سبکی متکی بر بیان است؛ بنابراین به آن سبک بیانی نیز

می‌گویند. البته در این روش همچنین ترکیب‌ها، کلمه‌ها و جمله‌های متحدالمضمون با یکدیگر سنجیده می‌شوند و بعد از آن نتیجه گرفته می‌شود که جمله‌ها و ترکیب‌هایی که محتوای یکسانی دارند، از حیث احساسات و عواطف با هم تفاوت دارند (همان). اما اگر سبک‌شناسی توصیفی را به‌تنهایی کافی بدانیم، ایرادهای زیادی خواهد داشت. نخست اینکه زبان را از حیطه‌ی سبک‌شناسی کنار می‌گذارد (یعنی به واژه‌ها و ساخت‌ها کاری ندارد و فقط با جمله‌ها سروکار دارد). دیگر اینکه این نظریه مختص ادبیات نیست و همچنین نمی‌توان به‌راحتی مراد شاعر را از نظر کلام فهمید.

۲. ۱. ۳. سبک‌شناسی تکوینی

سبک‌شناسان تکوینی معتقدند که برای سبک‌شناسی باید بین اثر و روان نویسنده رابطه ایجاد کرد. این مکتب در واقع می‌خواهد به پاسخی واحد دست یابد، اما سؤال این است که علل ایجاد و منشاء سبک چیست؟ اشیپتزر می‌گوید: برای بررسی یک اثر باید ابتدا ویژگی‌هایی را در متن تشخیص داد؛ سپس باید آن ویژگی‌ها را دسته‌بندی کرد. در مرحله‌ی آخر نیز بین آن‌ها و روان نویسنده ارتباط برقرار کرد (رک. اشیپتزر، ۱۹۷۴: ۷۰).

۲. ۱. ۴. سبک‌شناسی نقش‌گرا

سبک‌شناسان نقش‌گرا معتقدند که باید در سبک‌شناسی به کارکردها توجه کرد؛ با این تدبیر که نقش‌های زبان در اثر را درک نماییم. یاکوبسن معتقد است زبان سه نقش دارد؛ نقش اطلاع‌رسانی (اجتماعی)، نقش توصیفی (علمی و دارای صدق و کذب)، نقش عاطفی (احساس‌گرایانه) (یاکوبسن و همکاران، ۱۳۶۹، ۹۲).

۲. ۱. ۵. سبک‌شناسی ساخت‌گرا

سبک‌شناسان ساخت‌گرا معتقدند که یک متن، یک کل واحد است و همه‌ی اجزاء متن با هم در ارتباط هستند. بنابراین باید حوزه‌های مختلف شعر را بررسی کرد. حوزه‌هایی مانند: زبان (آوا، هجا، تکواژ، واژه، نحو یا همنشینی و جان‌نشینی)، عناصر ادبی (معنایی، بیان، بدیع) و کمینه‌ی محتوایی (مثلاً شادی یا غم). از نظر ساخت‌گرایان اگر عناصر زبانی و ادبی با کمینه‌ی محتوا هماهنگ باشد، متن دارای ساختار قوی است.

۲.۲. ادبیات کودک

ادبیات کودک و نوجوان به نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه‌ی کودکان و نوجوانان گفته می‌شود. این نوع از ادبیات هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه، مانند لالایی‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها است و هم داستان‌ها و نمایشنامه‌ها و اشعار و نیز نوشته‌هایی در زمینه‌ی دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی را دربر می‌گیرد که نویسندگان و سراینده‌ها برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آورند (نوشه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵۹).

۲.۲.۱. انواع ادبی در شعر کودک

انواع ادبیات کودک را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

- لالایی؛ لالایی‌ها اشعاری عامه‌پسندانه‌ای هستند که برای خواباندن کودکان از آن‌ها بهره گرفته می‌شود.
- بازی؛ شعرهایی که با بازی همراه می‌شوند و برای کودکان جذابیت بالایی دارند.
- هیچانه (بی‌معنی و پوچ)؛ هیچانه‌ها بخشی از اشعار کودکان هستند و معمولاً هیچ محتوای منسجمی ندارند، بلکه تنها ردیف‌کردن کلمات موزون در آن مهم است و توجه خاصی به معنای این نوع شعرها نمی‌شود.
- حکایت منظوم؛ به‌نظم درآوردن حکایت‌ها و داستان‌ها برای جذاب‌تر شدن اثر هنری را گویند.
- اشعار طبیعت؛ به‌دلیل ملموس بودن و پررمزوراز بودن طبیعت، از جایگاه ویژه‌ای در شعر کودک است.
- چیستان و معما؛ چیستان و معما جذابیت خاصی در اشعار کودکان دارد (رک. علوی‌فرد، ۱۳۹۰).

۳. بررسی ویژگی‌های سبک‌های ناصر کشاورز و محمود کیانوش

۳.۱. ناصر کشاورز

کشاورز به زبانی ساده و روان برای کودکان شعر می‌سراید و عقیده دارد هرچه ساده‌تر اشعارش را بنویسد و منتشر نمایند، بیشتر به مرزهای شگفتی نزدیک‌تر شود. به نظر وی

شگفتی در چیزهای ساده نهفته است، نه در چیزها و اموری که پیچیده به نظر می‌رسند. البته نگارنده در این باره معتقد است که شعر ساده‌کردن زبان پیچیده است نه بالعکس. کشاورز با تزریق کلمات ساده و فهم‌پذیر در قالب شعر و استفاده از قافیه‌های روان، توانسته است به راحتی با کودکان ارتباط برقرار کند و با زبانی شیرین و آهنگین، درس‌های مهم زندگی را به آن‌ها آموزش دهد. کشاورز با استفاده از کلمات محاوره در اشعارش، سبک خاصی را به وجود آورده است و کودکان را راحت‌تر به اهدافی که مدنظر داشته، می‌رساند و به دور از پیچیدگی‌های لفظی، به معنا و مفهوم مدنظر در اشعارش دست یابند. از آثار کشاورز می‌توان به مجموعه‌ی دوازده جلدی *می‌می‌نی‌نی و مامانش*، مجموعه‌ی دوازده جلدی *شعرهای نی‌نی کوچولو*، مجموعه‌ی چهار جلدی *دویدم و دویدم*، *مسئولیت*، *کلاغ زرد*، *آزادی*، *سیب‌جان سلام*، *گنجشک*، *پروانه و مرا یک دایناسور درسته*، *قورت داده*، *تلخ و شیرین*، *رنگ‌های گمشده*، *بوی نرگس* و از این طرف لطفاً فقط *هیس*، اشاره کرد.

۳. ۱. ۱. ویژگی‌های زبانی

واژگان درخور تأمل به کاررفته در آثار کشاورز به شرح ذیل است:

صاف آمد، خط راه آهن، بوا، گنبد، سنجاق، مخصوص، دقیقاً، نظم و ترتیب، نوزده در دقیقه، اصلاً، الآن، حرف آخر، بی حاصل، بی فائده، راه حل، معما، واقعاً، مشکل، جادوگر، فندق، سیگار، شعله، آموزگار.

صفات: کوچولو، تنها، داغ، بزرگ، پرنور، گنده، خوشحال، کوچک، سبز، شاد، قشنگ، زیبا، آهسته، سرخ، خوشحال، زیبا، زور، نظم، ترتیب، نشسته، خالی، نرم، شل، قهوه‌ای، بلند، مشکل، بی حاصل، بی فائده، کوچک، زرد، آبی، آهسته، استاد، خوشحال، روشن، یک‌وری، خسته، نارنجی، نزدیک، زیبا، خیس، بی احساس، غمگین، مرز زمان، فهم آله‌ها، درهم، پوچ، تمرکز حواس، مقصد و هدف، دام، عبوسی، درشتی، تلاطم، تاب، گسترده، ضرورت، بند، تفاهم، دستگیری، پستو، ادعا، ته آینه، آدمی، واقعاً، سود، چشم، عمیق، دقیق، طرحی، کل، قرن، معصیت، تکنولوژی، صمیمیت، تار، ذهن، درهم، شیون، احتیاج

مرموز، دل‌دل‌کردن، زوروق، التماس، قناس، نعش، تهی، وسیع، مردانگی، طنین، توبه‌تو، ماجرا، عمیق، عمیق، دل‌انگیز، پراتز، خجالت‌زده، شرمگین، دل‌مرده، عبوس، علیل، راز، آشفته، تندباد، کوک، ابد، بی‌تویی، سبقت، خسارت، درویش، خداجو، یاهو، هی‌کردن.

واژه‌های خاص: ول می‌کنم، باز هم ول‌کن نبود.

صفات: داغ، آبی‌ترین، شلوغ، درهم، نامنظم، بی‌اساس، روشن، عزیز، ساده، شاد، راحت، جالب، سرخ، ساده، بی‌تاب، حساس، ظریف، مصنوعی، سرد، احساسی، چکه‌ای، گسترده، تیز، بلند، خنده‌دار، ناشناس، شیرین، داغ‌تکراری، کهنه، صاف، سیاه، سفید، تار، سبز، کج، درهم، سیاه، بی‌پناه، کاهی، مرموز، گیج، بی‌تاب، راحت، لال، بی‌خیال، سبز، بلند، قناس، تهی، پر، درشت، ساده، عمیق، بزرگ، وسیع، خانگی.

بیشتر آثار کشاورز، از نظر زبانی ویژگی‌های یکسانی دارند و با زبان گفتاری، عامیانه، روان و بسیار نزدیک به زبان طبیعی روزمره سروده شده‌اند. بنابراین به تبع گفتاری بودن زبان، بسامد کلمات شکسته، لغات و تعبیرات عامیانه و گاه کودکانه در آن‌ها بالاست؛ باین حال دارای جمله‌های کوتاه هستند و جمله‌های نسبتاً طولانی بسامد بسیار پایینی دارند. بیشتر جمله‌ها دارای نظم طبیعی در ارکان هستند؛ هرچند در بسیاری از جمله‌ها ارکان دستوری به ضرورت وزن و قافیه جابه‌جا شده‌اند. اما باید به این نکته توجه داشت که این مسئله جمله‌ها را دشوار و دور از فهم نکرده است. البته گاه در بعضی از داستان‌ها، برخی از اصطلاحات بزرگ‌سالانه مشاهده می‌شود که فهم آن‌ها قدری برای کودکان مشکل است؛ برای مثال این جمله در داستان «می‌می‌نی پشت پرده، یه سکه پیدا کرده» دیده می‌شود: «باید زیاد کار کنی / خسته بشی بیفتی / دیگه بهت نمیدم / بنزین و آب مفتی». گاه نیز برخلاف سبک گفتاری متن، برخی کلمات به شکل سالم و نوشتاری به کار رفته‌اند. گاه شاعر ترکیباتی خوش‌آهنگ و اغلب فاقد معنای دقیق از خود می‌سازد که به دلیل موسیقی کلامی‌شان، متن را برای کودکان جذاب‌تر می‌سازند؛ مانند این لغات و ترکیبات: «شی‌تیر و پی‌تیر، پرک‌پرک، هرهر، هارهار، زرز، زارزار». در بسیاری از مواقع متناسب با کودک مخاطب قصه‌ها، از اصطلاحات و تعبیرات کودکانه بهره گرفته شده است. این مسئله با

برخورداری از بسامد نسبتاً بالا، از ویژگی‌های سبکی داستان‌های مزبور است که فضای کودکانه آن‌ها را برجسته‌تر کرده است؛ مانند این تعبیرات: «بعدش بره لالا کنه، از یک شمرد تا بیست و صد، اولش یه کم ترسید؛ بعدش دو کم ترسید؛ بعدش سه کم ترسید، خواب دید یه نی‌نی بزغاله است» (کشاورز، ۱۳۹۲: ۱۲). در متن این داستان‌ها، نام‌آواهای زیادی به کار رفته و حضور آن‌ها ضمن اینکه به موسیقی بیرونی کلام افزوده، به کودکانه‌تر کردن کلام نیز یاری رسانده است. همچنین در آثار کشاورز، لوازم مربوط به اسباب منزل و ابزار زندگی، بسامد چشمگیری در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها دارند.

ویژگی برجسته‌ی کشاورز در شعر که در دیگر شاعران دیده نشده، ترجمه‌ی شعر به شعر از زبان‌های دیگر است و بخش درخور توجهی از کارنامه‌ی شعری او را تشکیل می‌دهد. شعر به زبان دیگر، زمانی که به زبان فارسی برگردانده می‌شود، معمولاً قابلیت شعری خود را از دست می‌دهد و به واژه‌هایی سرد و بی‌روح تبدیل می‌شود، اما کشاورز در ترجمه‌ی شعر، قابلیت‌های شعر زبان مبدأ را حفظ می‌کند و می‌کوشد روح و جوهره‌ی آن را به خواننده‌ی فارسی‌زبان انتقال دهد.

زمان فعل‌ها در شعر کودک اهمیت بالایی دارند، زیرا نوع زمان شعر و ارتباط کودک با آن زمان بسیار مهم است. زمان حال برای کودک ملموس‌ترین زمان است. درک کودک از گذشته و آینده محدود به نظر می‌رسد، زیرا گذشته و آینده دو مفهوم انتزاعی هستند. با وجود این امر، کشاورز از زمان گذشته، بیش از زمان‌های دیگر استفاده می‌کند و شاید دلیل آن، تمایل کشاورز به بیان روایت‌های داستان‌های گذشته و تاریخی است.

از دید نگارنده، زبان شعر کودک باید از استعاره‌های گیج‌کننده و دشوار دور بوده و امکان برقراری ارتباط آن با ذهن مخاطب خردسال در بیش‌ترین میزان خود قرار داشته باشد. به فرض اگر در شعر کودک از استعاره‌های مفهومی استفاده شود به طوری که کودک از درک آن عاجز بوده و احتیاج به ترجمه داشته باشد، قطعاً شعر دچار ضعف ارتباط خواهد شد. به نظر ما در کالبد زبانی شعرهای کشاورز چنین ایده‌ای تا حدود زیادی رعایت گشته است.

۳. ۱. ۲. ویژگی‌های فکری

موضوعات طبیعت و اتفاق‌های اطراف کودک که در خانه می‌افتد، بیشترین فراوانی را در آثار کشاورز دارد. به خاطر روایی بودن بیشتر شعرهایش، وی از زاویه‌ی دید سوم‌شخص بیشتر بهره می‌برد. فضای شعرهای کودکانه‌ی او بیشتر شاد است ولی در اشعار نوجوانانه‌ی او، فضا به شدت غمگین می‌شود. از میان کتاب‌های او، کتاب *بوی نرگس* به دلیل داشتن فضای غمگین، واژگان درخور تأمل، محتوای انتزاعی و زاویه‌ی دید بزرگسالانه، برای نوجوان یا بزرگسال مناسب است. کتاب‌های دیگر او برای گروه سنی «ب و ج» مناسب است.

ناصر کشاورز یکی از مهم‌ترین رسالت‌های شعر خود را تعلیم و تربیت و توجه به مضامین تعلیمی می‌داند و بیشتر اشعار او پیام‌های اخلاقی و تربیتی دارند. مضامینی همچون تشویق کودکان به رفتار و گفتار بر مبنای آموزه‌های اخلاقی و تبعیت از سیره‌ی معصومین (ع)، بسامد بالایی در اشعار کشاورز دارند. مجموعه‌ی شعر *راز تاک* جدیدترین شعر ناصر کشاورز است. *راز تاک* شامل اشعاری با موضوع زندگی امام رضا (ع) است که با نگاهی تازه و شاعرانه برای کودکان سروده است.

مضامین مرتبط با ارتقای آگاهی و معلومات کودکان و موضوعات آموزشی نیز جزء اهداف او در سرودن شعر کودک است و کشاورز با استفاده از نمادها و همچنین زبان ساده و متناسب با سن و سطح فکری کودکان، به بیان مطالب آموزشی همچون ریاضی، فیزیک، آشنایی با حیوانات و غذاها و گیاهان و... می‌پردازد. البته آموزش مهارت‌های زندگی نیز در اشعار او برجسته و پررنگ است. در شعر «جوراب»، کشاورز به آموزش شستن جوراب پرداخته است:

«یک چیز تازه / فهمیده‌ام من / کاری ندارد / جوراب‌شستن / من شستم آن را / امروز با دست / چون مادر من / کارش زیاد است / جورابم الان / روی طناب است / هم پاک و زیبا / هم خیس آب است / خورشید خانم / تابیده بر آن / پس می‌شود خشک / جورابم الان»
(کشاورز به نقل از مجله‌ی دوست ۱۳۸۷: ۱۰).

وی در شعر «مداد تنبل» کودکان را به صورت غیرمستقیم و با زبان خودشان به نوشتن

مشق تشویق می‌کند:

«خیلی لجم گرفته / از دست این مدادم / او مثل بچه‌ای لوس / لج می‌کند به آدم / وقتی که
مشق دارم / او غیب می‌شود زود / دیروز گوشه‌ی تخت / در جیب خرسکم بود / گفتم: چقدر
باید / دنبال تو بگردم؟ / امروز با سه تا مشق / او را جریمه کردم» (کشاورز، ۱۳۷۶: ۵۵).

۳.۱.۳. ویژگی‌های ادبی و زیبایی‌شناختی

تشبیه و استعاره، در خلق تصویرهای ذهنی شاعرانه نقش مهمی دارد؛ اما نباید فراموش کرد که کودکان دنیای تجربی محدودی دارند، بنابراین شاعر در انتخاب بار رمزی و نمادین کلمه‌ها باید به دنیای تجربی کودکان توجه داشته باشد. صرف شناخت دو نکته‌ای که با هم مقایسه یا به هم تشبیه می‌شوند، کافی نیست و ضرورت مسئله ایجاب می‌کند در این مقایسه یا تشبیه نکته‌ای تازه وجود داشته باشد تا به آن‌ها کمک کند که آن فکر یا شی را به شیوه‌ای متفاوت و غیرعادی ببینند. استفاده از تشبیه‌های پیش‌پاافتاده و مستعمل، همچنین تشبیه‌هایی که درک آن‌ها نیازمند تجربه‌های بزرگسالانه هستند شاعر را از یک فرصت طلایی برای سهم کردن کودک در لذت شعری محروم می‌کند (رک. قزل‌ایاغ، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

کشاورز برای بیان مضامین تعلیمی و اخلاقی از عناصر زیبایی‌شناختی همچون تشبیه و تمثیل و همچنین طنزهای شیرین سود می‌جوید؛ به این وسیله آموزش موضوعات اخلاقی برای کودکان را از خسته‌کنندگی دور می‌سازد. به‌عنوان نمونه، مفهوم اتحاد و همبستگی را در این شعر به زیبایی بیان کرده است:

«شهر یک دیگِ بزرگ است / خوب دقت کرده باشی / مردمش در جنب و جوشند / توی
آن مانند آشی / بعضی از ما نقش سبزی / یا نخود یا ماش داریم / یک‌به‌یک نقشی مهم در /
پختن این آش داریم / آن‌که حتی نقش فلفل / ادویه یا سیر دارد / عطر و طعم و مزه‌ی او /
روی ما تأثیر دارد / هرکدام از ما نباشیم / کار می‌لنگد شب و روز / پس بیا با هم بجوشیم /
تا شویم آشی دهان‌سوز!» (کشاورز، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

کشاورز گاهی از ایهام و کنایه نیز به‌شکلی ملایم بهره می‌جوید؛ اما این بهره‌جویی در حدی نیست که مخاطب را دچار ابهام نماید. او از آرایه‌ی تشخیص، تشبیه و استعاره بیشترین استفاده را می‌برد.

شعر سبز تشبیه مضمّر از سرو: «سرو به خاک افتاد، آسمان درهم شد/ از کتاب جنگل، شعر سبزی کم شد» (کشاورز، ۱۳۷۷: ۵۵).

تشبیه آسمان به درخت باتوجه‌به فعل تکان‌دادن: «باد آسمان را، دیشب تکان داد/ سه تا ستاره، در دستم افتاد» (کشاورز، ۱۳۷۳: ۱۶).

استعاره نیز در اشعار کشاورز بسامد بالایی دارد؛ به عنوان مثال، قطار ابر در این شعر: «قطار ابر حاضر است/ بیا به سوی شهر ما/ بیا غم دل مرا/ بگیر ناپدید کن/ تمام شهر را پر از کبوتر سفید کن» (همان: ۹۲).

یا نرگس زرد در این شعر: «عاقبت آن نرگس زرد/ روح من را با خودش برد/ دسته‌ای پروانه اما توی چشمم تاب می‌خورد» (کشاورز، ۱۳۸۰: ۸).

استفاده از کنایه در ادبیات کودک به‌خصوص شعر اندک است و چنان‌که ذکر شد، در شعر کشاورز نیز شاهد نمونه‌های محدودی از کنایه هستیم که بیشتر در اشعاری که شاعر برای نوجوانان سروده، مشاهده می‌گردد و بیشتر کنایه‌های استفاده‌شده‌ی شاعر، کنایه‌های رایج در گذشته است. کاربرد این‌گونه کنایه‌ها در شعر کودک و نوجوان مناسب نیست و زبان اشعار را به سمت کهنگی می‌برد. استفاده از این آرایه نیز به‌ندرت در شعر کودک دیده می‌شود: «مثل یه کاسه خالیه کشیدم آه سردی» (کشاورز/ صدای پای پاییز/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب» (کشاورز، ۱۳۷۶: ۹۹). «دلش اندازه‌ی دریا به رنگ آسمان باشه» (همان: ۱۰۰).

کشاورز بیش از هرچیز به این نکات در شعر کودک اهمیت می‌دهد؛ رسیدن به زاویه‌ی دید کودکانه و استفاده از تکیه‌کلام‌ها و استدلال‌های کودکانه. همچنین برای وی قافیه‌های جدید مهم هستند، اما به‌نظر می‌رسد موسیقی داخلی در اشعار کم‌رنگ است. همچنین گاهی زبان شعرهایش سخت بزرگ‌سالانه می‌شود. کشاورز گاهی از به‌کارگیری آرایه‌های ادبی در شعرش چشم می‌پوشاند و تنها به سوژه‌ی لطیف و طنز توجه دارد.

قوی‌ترین عامل جاذبه و کشش برای بچه‌ها موسیقی است. آهنگی که از بافت کلمات و ترکیب مصراع‌ها به وجود می‌آید، برای کودکان جذاب و دلنشین است. ناصر کشاورز تنها شاعری است که همه‌ی شعرهایش در این قالب است. موسیقی ظاهری در اشعار کشاورز به شرح زیر است:

وی در قالب چهارپاره، ۶۵ شعر سروده است که از این تعداد، ۲۴ شعر، چهاربندی، هجده شعر پنج‌بندی، نه شعر، شش‌بندی، پنج شعر، سه‌بندی و چهار شعر، هشت‌بندی هستند. او به شعرهای چهاربندی بیشتر علاقه دارد، اما پراکندگی اشعار او بیشتر از چهار بند را نشان می‌دهد. میانگین بندها در شعر او پنج بند است.

تعداد بحرهای عروضی: او از پانزده بحر عروضی استفاده کرده است. فراوانی این بحرهای عروضی به این شرح است: مربع مرفل (مستفعلاتن فع)، یازده نمونه، متقارب مسدس محذوف (فعولن فعولن فعل)، هفت نمونه، رمل مربع سالم (فاعلاتن فاعلاتن)، هفت نمونه، رمل مربع محذوف (فاعلاتن فاعلن)، شش نمونه، هزج مربع محذوف (مفاعیلن فعولن) چهار نمونه، رمل مربع اصلم (فاعلاتن فعولن)، چهار نمونه. کوتاه‌ترین بحرهای عروضی رجز مثنی مرفل (مستفعلاتن) سه نمونه و بلندترین بحر عروضی رجز مربع مرفل (مستفعلن مستفعلاتن) با دو نمونه هستند.

تعداد کل قافیه‌ها در اشعار وی شامل ۳۲۳ است که از این تعداد، ۱۹۵ قافیه‌ی فعلی یا وصفی ۱۹۵ بوده و ۱۵۶ قافیه را قافیه‌ی اسمی یا حرفی تشکیل می‌دهند. تعداد کل ردیف‌های شعری او شامل ۱۰۹ ردیف می‌شود که شامل ردیف فعلی یا وصفی با فراوانی ۸۵ و ردیف اسمی یا حرفی با فراوانی ۲۶ نمونه می‌شود.

کشاورز از موسیقی داخلی به صورت معمولی بهره می‌برد و حاضر نیست بار اصلی شعرش را روی موسیقی بگذارد. او بیشتر بار شعرش را روی سوژه‌های زیبا و زاویه‌ی دید کودکانه گذاشته است.

از نظر نگارنده زیبایی در شعر زمانی به اوج خود می‌رسد که با هربار مرور شعر در ذهن مخاطب آن زیبایی کشف جدیدی از «زیابودن» به مخاطب ببخشد. با بررسی‌های

صورت گرفته، این مسئله به خوبی در شعرهای کشاورز نمود پیدا کرده است، مخصوصاً به این خاطر که مخاطبِ خردسال با شنیدن یا خواندن یک شعر به دلیل وجود حس کنجکاو و نشاط، هربار با خود مرور کرده و زمزمه می‌کند.

۲.۳. محمود کیانوش

محمود کیانوش در حیطه‌های مختلف شعر و رمان‌نویسی و پژوهش ادبی فعالیت دارد. شعر کودک یکی از دل‌مشغولی‌های مهم اوست. جامعه‌ی ادبی او را بیشتر به‌عنوان یک شاعر کودک می‌شناسد. از آثار او برای کودکان می‌توان به: *بچه‌های جهان*، شعر به شعر، *طوطی سبز هندی*، *زبان چیزها*، *باغ ستاره‌ها*، *نوک طلای نقره‌بال*، *آفتاب خانه‌ی ما* اشاره کرد.

۱.۲.۳. ویژگی‌های زبانی

کیانوش برای کودکان، محدوده‌ی خاص زبانی قائل نیست. او به راحتی ساختارهای نحوی را هم تغییر می‌دهد و به ساختار افعال نیز بی‌توجه است. صفت‌های عاطفی به کار رفته در شعرهای کیانوش، نصف صفاتی است که در اشعارش به کار رفته است. کیانوش در شعرهایش کمتر از زمان گذشته بهره می‌برد و این نشان می‌دهد که او زمان حال را برای سرودن شعر کودک ترجیح می‌دهد.

از مطالعه‌ی شعرهای کیانوش برمی‌آید که این شاعر در درون خود نیز با کودکان و نوجوانان تعامل داشته و در شعر خود همواره با صمیمیتی ویژه و بی‌آلایش با آن‌ها پیوند برقرار کرده است. او شعری دارد که این ویژگی در آن، آشکارا بیان شده است:

«فرزندهای نازنینم / گل‌های باغ زندگانی / خوانندگان شعرهایم / در کودکی و نوجوانی / هرگز نخواهد شد عزیزان / یاد شما، هرگز فراموش / هستیم با هم همیشه / در شعر محمود کیانوش...» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۰۴).

تصویرآفرینی‌های وی بیشتر از طریق حس‌آمیزی و عناصر و واژگان مربوط به حس بینایی و شنوایی، متناقض‌نما، افعال و اصطلاحات محاوره‌ای، عامیانه و بومی، قیده‌های

ابداعی، نام‌گذاری‌های جدید، انواع برجسته‌سازی و هنجارگریزی زبانی و موسیقی کلامی، به‌ویژه انواع تکرار و ایجاز و اطناب‌های مناسب صورت می‌گیرد.

مهارت در بیان روایی و قصه‌گویی با زاویه‌ی دید اول‌شخص، سوم‌شخص و تک‌گویی، متناسب با گروه‌های سنی «الف و ب» در بیشتر اشعار کیانوش دیده می‌شود. به‌طور کلی، واقع‌گرایی و ساده‌گویی و بهره‌گیری از عناصر زنده و توصیفات عینی، به‌ویژه رنگ‌های زرد و سیاه و بازی‌های زبانی و ترکیبات بدیع و مناسب سن کودک را می‌توان از اصلی‌ترین مختصات شعر وی دانست.

برخی واژه‌های درخور تأمل و مهم که در آثار کیانوش به صورت مکرر استفاده شده است، به این شرح است: «نگاهبانی، جاودانی، همنشینی، چارچوب، گناهکار، گیج، ناتوان، بی‌پروا، جامه، هان، پوزه‌باریک، چله، کارگاه، گام، اندک، قبا، خوش‌دل، خوش‌رفتار، بی‌جان، ستایش، بکلی، بی‌شور، جنبش، حبایم، اندک‌هوایی، هرگز، ادعا، خاشاک، آمیزاد، شایسته، بپویم، تقلا، نخستین، انتها، درازا، پهنا، گوهر، برانگیز، وجود، فرنگ، خفته، اکنون، مغز استخوان، آشفته، چاره‌جویی، بس، صفا، تابناک، چهره، بیکرانه، نیلگون، بریدار، برخفته، می‌گفتمت، انبوه، کوهپایه، شیروانی، گذر، سفینه، بی‌پروا، پرشور، دمساز، محض، سرشار، گذار، الوار، روشندل، جامه، برزگر».

با نگاهی کوتاه به واژه‌های درخور تأمل در آثار کیانوش درمی‌یابیم که وی دقت و وسواس کمتری در به‌کارگیری واژه‌های کودکانه دارد. وجود واژه‌های نامناسب در آثار او، لیستی بلندبالا از کلمات و ترکیبات مشکل را شامل می‌شود که کودک را در درک شعر دچار مشکل خواهد کرد. این آثار با داشتن چنین واژگانی، برای گروه سنی نوجوان و بالاتر مناسب است. به‌کاربردن فعل مضارع بدون پیشوند «می» یکی از ویژگی‌های برجسته در آثار کیانوش است.

در بررسی کتاب *زبان چیزها* می‌توان به استفاده‌ی او از صفات و بسامد آن‌ها اشاره کرد: خسته، پاک و زیبا هر یک چهار نمونه، خشک، کوچک، مهربان، قشنگ، سنگین، شیرین، سرد، هر کدام سه نمونه، آرام، آزاد، تند، بسیار، خوشبو، آشفته، کوتاه، باریک، گرم، نازک، نرم، باز،

بی‌پروا، تیره، پرشور، غمگین، دور، سیاه، سپید، سفید، باهوش، هر کدام دو نمونه و آماده، استخوانی، آسوده، بزرگوار، پسته، بهتر، بی‌آزار، بی‌حال، پرزدار، پرزور، پرشور، پهن، تابناک، تار، تردست، تنگ، تنها، توانا، تک‌وتنها، خوش‌رنگ، جاندار، چابک، چشم‌بند، خالی، خرده‌خرده، خوابناک، خوش، خوشدل، خوش‌دوخت، خوش‌رفتار، خوش‌رنگ و... اشاره کرد. از میان صفات پرکاربرد، صفت‌های: زیبا، شیرین، قشنگ، مهربان و کوچک، بار عاطفی بالایی برای کودکان دارند؛ ولی در مقابل واژه‌های: سنگین، خشک، خسته و پاک بار عاطفی و شاد ندارند.

کیانوش در بالابردن بار عاطفی صفات در این مجموعه دقیق کار نکرده است. این می‌تواند به این دلیل باشد که او درصدد شناساندن جواب معماها بوده است، نه در پی القای بار عاطفی و شاعرانه.

زمان فعل‌ها: زمان تمام فعل‌ها در این کتاب زمان حال است و برای توضیح ویژگی‌های معمایی و ارتباطی زنده، زمان مناسبی است.

از دید نگارنده ویژگی‌های زبانی در شعر تنها به چگونگی کاربرد ترکیب‌ها، کلمه‌ها، جمله‌ها و... خلاصه نمی‌شود؛ بلکه چگونگی کارکرد مضمون ترکیبات تکرارشونده در فرم شعر نیز از ویژگی‌های زبانی شعر است که به‌ویژه در شعر کودک کیانوش به‌خوبی عیان است و از این نظر کیانوش را می‌توان شاعر موفقی محسوب کرد.

۲.۲.۳. ویژگی‌های فکری

بسیاری از افرادی که بعد از انقلاب شعر سروده‌اند، تحت تأثیر محمود کیانوش بودند چون او تنها کسی بود که در این زمینه نظریه‌پردازی کرده و کتاب‌های زیادی در حوزه شعر کودک منتشر کرده بود.

از نظر محتوایی، موضوعات اشعار کیانوش به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: درباره‌ی کودکان و اشیاء، ۲۲ شعر، حیوانات، یازده شعر، طبیعت، هشت شعر و آموزش اعداد الفبا و مفاهیم، چهار شعر. اشعار کیانوش گروه سنی «ب و ج و د» را شامل می‌شود؛ هرچند در شناسنامه‌ی یکی از کتاب‌هایش گروه سنی «الف» نیز ذکر شده است.

تمام شعرهای کیانوش شعرهایی خالی از روایت هستند. او در شعرش بیشتر به توصیف‌های شاعرانه اهمیت می‌دهد نه روایت. هر جا هم که روایت وارد شعرش می‌شود بلافاصله به توصیف منتهی می‌شود و در خدمت توصیف قرار می‌گیرد. زاویه‌ی دید شعرهای کیانوش به ترتیب عبارت‌انداز: زاویه‌ی دید اول شخص با بیست نمونه فراوانی، زاویه‌ی دید دوم شخص با فراوانی دوازده نمونه، زاویه‌ی دید سوم شخص هفت نمونه را شامل می‌شود و زاویه‌ی دید تلفیقی شش شعر را به خود اختصاص داده است. این امر نشان می‌دهد که او از دیگران برای کودک کمتر حرف می‌زند. اگر هم بخواهد از دیگران برای کودک بگوید سعی می‌کند از زبان خودشان باشد. استفاده‌ی او از زاویه‌ی دید اول و دوم شخص، ارتباط تنگاتنگی با نبودن روایت در شعرش دارد؛ زیرا معمولاً روایت با سوم شخص بیان می‌شود. کیانوش مثل دیگر شاعران کودک، در کنار سرودن برای کودکان از سرودن درباره‌ی کودکی نیز غافل نمی‌شود.

فضای شعرهای کیانوش با توجه به صفات، کم‌عاطفه است؛ ولی با توجه به استفاده‌ی زیاد از زاویه‌ی دید اول و دوم شخص، بار عاطفی خوبی پیدا کرده است. اما فضای تعلیمی نیز در بیشتر شعرهای او دیده می‌شود. محمود کیانوش از طریق بهره‌گیری از فضای کودکانه‌ی اشعار خویش، مضامین اخلاقی نیک و زیبا را به طرز دلنشین و تأثیرگذار به ذهن و خاطر مخاطبان کودک خود انتقال می‌دهد. برای نمونه، او در شعری به‌عنوان «از تندرستی چیست بهتر؟» به غافل شدن از نعمت سلامتی که یکی از مهم‌ترین نعماتی است که خداوند به انسان‌ها عطا کرده، پرداخته است. کیانوش با فضا سازی و تصویرپردازی زیبا و درک‌پذیر، مسئله‌ی سلامتی را برای کودکان به‌خوبی ترسیم کرده است.

«تب داشتم دیروز و دیشب / در رختخواب افتاده بودم؛ / وقتی که خیلی تند شد تب / در پیچ‌وتاب افتاده بودم / می‌خواستم برخیزم از جا، / می‌کرد چشمانم سیاهی؛ / در جای خود ماندم، خدایا، / با حال بد، خواهی نخواهی / ... گویم: خدایا، در جهانت / از تندرستی چیست بهتر؟ / از داده‌های بی‌کرانت / چیزی از این یک نیست بهتر!» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۸۴-۸۲).

برای تبیین این صفت خداوند، یکی از شیوه‌های شاعران کودک، اشاره کردن به افراد مهربانی چون پدر و مادر است و از این طریق، در کنار آن‌ها از مهربانی خداوند نیز یاد می‌کند تا به واسطه‌ی آشنایی کودک با محبت والدین، مهربانی خداوند نیز به گونه‌ای غیرمستقیم برای کودک محسوس گردد:

«مادر، بیا که خواب/ چشم مرا گرفت؛/ در زیر پلک من / آهسته جا گرفت./ با دست مهربان / دست مرا بگیر؛/ یک بوسه‌ام بده،/ از من دوتا بگیر./ در گوش من بگو/ با آن صدای خوش،/ آرام قصه‌ای / از قصه‌های خوش / یک مادر و پدر/ با بچه‌های خوب / در یک جهان پاک / با یک خدای خوب» (همان، ۵ و ۴).

بازتاب طبیعت در اشعار کودکانی کیانوش، حاصل درک او از رابطه‌ی عاطفی کودک و طبیعت است و با توجه به جهان‌بینی مخاطب و گروه‌های سنی، این بازتاب متغیر است. از آنجایی که مخاطب «هرچه خردسال‌تر باشد، انتزاع در زندگی او کمتر جای دارد و فقط می‌تواند آنچه را که با حواس پنجگانه‌ی خود حس می‌کند درک نماید، مضامین شعر کودک باید از دنیای پیرامون کودک گرفته شود» (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۸۶)

کیانوش، در اشعار گروه‌های سنی «الف و ب»، به هنگام شخصیت‌بخشی به اشیاء، بیشتر به ویژگی‌ها و رفتار ظاهری موجودات زنده اشاره کرده است و این امر به این دلیل است که مخاطب، هنوز با مفاهیم انتزاعی آشنایی چندانی ندارد: خوابیدن: «قورباغه‌ها: قورقور / خورشید خسته خواب است / شب می‌رسد از دور» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۴۲). آمدن: «صبح خندان / صبح خندان / خورشید آورد / خورشید آمد / امید آورد» (همان: ۴۶). خندیدن: «می‌خندد گل / سرخ و روشن / سرخ و روشن / می‌خندد گل» (همان: ۴۲).

کیانوش در شعری که مخاطبان آن گروه‌های سنی «الف و ب» هستند، در توصیف تابستان، به خنده‌ی خورشید اکتفا می‌کند؛ ولی در شعر گروه‌های سنی «ج و د»، با استفاده از مفاهیم انتزاعی و بلاغت، تلاش دارد هوای گرم تابستان را ادبی‌تر و دلنشین‌تر مطرح سازد: زهرآگین و طاقت‌فرسایی: «وای از افعی تابستان / نفسش زهر جهنم دارد / تا دم شام نفس سنگین است / بس که از صبح هوا دم دارد» (کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

خوبی و مهربانی: «آفتاب خوب و مهربان / صبح زود بر زمین ما نگاه کرد / آفتاب مهربان نگاه / بر زمین سرد و تشنه و سیاه کرد / رو به آب خفته کرد و آه‌آه کرد / آب خفته شد بلند و زود / یک سپاه ابر تازه روبه‌راه کرد» (همان: ۱۰).

۳.۲.۳. ویژگی‌های ادبی و زیبایی‌شناختی

اشعار محمود کیانوش را از نظر سطح ادبی می‌توان قوی‌ترین نمونه‌ی اشعار به حساب آورد. صور خیال به‌خصوص تشبیه، استعاره و تشخیص، بن‌مایه‌ی اشعار او را تشکیل می‌دهد. بیشتر شعرهای کیانوش دارای آرایه‌های ادبی است و بیش از هر چیز از استعاره در شعرهایش بهره می‌برد. کیانوش در مجموعه‌ی اشعارش برای گروه سنی «ب و ج» به نام زبان چیزها از استعاره‌ی مکینیه استفاده می‌کند و به اشیاء جان می‌بخشد؛ اما بیشتر با طرحی معماگونه در آخر پاسخ می‌دهد. کیانوش در شعر «شب آمد» با بهره‌گیری از استعاره، از رفتن روز و آمدن شب و روشنایی ستارگان می‌گوید. در مرتبه‌ی بعدی، او به تشبیه اهمیت می‌دهد. برای نمونه در شعر «بره سفید» تشبیهات حسی دارد از جمله می‌توان به تشبیه‌هایی چون تن بره به برف؛ برف‌تن؛ زبان‌گلی؛ بع بع تو به گوش من چه‌چه‌ی بلبلان باغ من و چشم تو با نگاه گرم مثل شب پر از چراغ اشاره کرد. او در حد محدودی از آرایه‌های سخت مثل کنایه و ایهام بهره می‌برد که بسیار ناچیز است. پس کیانوش سادگی در آرایه‌های ادبی برای کودکان را قبول دارد و آن را به کار می‌برد.

محمود کیانوش در باب اهمیت موسیقی در شعر کودک می‌نویسد: «کودک زیبایی کلام را در موسیقی باز می‌یابد. کودک معانی را با موسیقی می‌آموزد؛ هنگامی که سخن گفتن را در حد معانی ادراک‌شدنی جهان خود آموخت، بیشتر به سخنی می‌گراید که سرشار از موسیقی و زیبایی باشد» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۱۵).

کیانوش به تکنیک و ظاهر شعر کودک اهمیت بسیار می‌دهد. چون به نظر وی برای کودکان چیزی مهم‌تر از بازی وجود ندارد و بازی به موسیقی پرتحرک نیاز دارد؛ در نتیجه، وزن و قافیه که خود دو نوع موسیقی هستند، برای شعر کودک لازم است.

درباره‌ی موسیقی ظاهری در اشعار کیانوش باید گفت که موسیقی ظاهری از ۴۳ قطعه شعر کیانوش، سی قطعه در قالب چهارپاره سروده شده‌اند که بیش از ۷۰٪ اشعار را شامل می‌شود. این نشان می‌دهد که کیانوش به این قالب به‌عنوان قالب پیشرو پایبند است. بعد از این قالب، کیانوش هفت شعرش را در قالب شش‌خشتی سروده است که حدود پانزده درصد از کل اشعارش را تشکیل می‌دهد.

میانگین اشعار کیانوش اشعار مسدس هستند که از میانگین انتظار ما بیشتر است. آنچه انتظار می‌رفت این بود که در شمارش واحد ارکان اشعار کودکانه از نظر طول، بحرهای در اشعار کودکان، نصف اشعار بزرگ‌سال باشند. بیشتر اشعار بزرگ‌سال بحر مثنی دارند؛ بنابراین شعرهای کودکانه باید مربع باشند. باتوجه‌به طول بندها و طول بحرهای عروضی، شعر کیانوش دارای میانگین بحرهای مسدس پنج‌بندی هستند. این میانگین نشان می‌دهد که کیانوش به این دو دلیل، از سطح میانگین مدنظر ما بالاتر است. پس شعرهای او در محور عمودی اطناب دارند.

موسیقی داخلی: کیانوش برای تکرارها و موسیقی داخلی بیش از هر چیز اهمیت قائل است. او مهم‌ترین ویژگی شعر کودک را در تکرارها و موسیقی می‌داند؛ بنابراین استفاده از تکرار در سطح همخوان‌ها، واژه‌ها، واژه‌ها و جمله‌ها دیده می‌شود. همچنین توجه به جناس‌ها، ترکیبات مزدوج، نام‌آوایی و عکس و طرد و تضاد در شعر او بسیار به چشم می‌خورد. نگارنده معتقد است که ویژگی‌های ادبی و زیباشناختی شعرهای کیانوش برای مخاطبان خاص شعر که کودکان هستند، بیشتر معطوف به زیبایی‌های تصویرسازی در شعر است تا کودک بتواند با جریان خیال و در بعد کودکانه‌ی رویای خویش پیش برود. در چنین حالتی شاعر آن شاعرانه‌ی خویش را در راستای پرورش رویای کودک و همچنین پرورش دایره‌ی لغات کودک با زمزمه‌ی شعرهای ساده به خدمت گرفته است.

۴. تجزیه و تحلیل آماری

نتایج آماری پژوهش را در قالب جدول زیر آورده‌ایم تا تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان سبک نویسنده‌ی ناصر کشاورز و محمود کیانوش بر ما آشکار شود:

جدول ۱. فراوانی قافیه در آثار دو شاعر

ناصر کشاورز	قافیه‌ی اسمی و حرفی: ۱۹۸ / فعلی و وصفی: ۲۰۱
محمود کیانوش	قافیه‌ی اسمی و حرفی: ۱۷۴ / فعلی و وصفی: ۲۳۸

جدول ۲. فراوانی ردیف در آثار دو شاعر

ناصر کشاورز	ردیف اسمی و حرفی: ۹۹ / فعلی و وصفی: ۱۱۶
محمود کیانوش	ردیف اسمی و حرفی: ۱۲۷ / فعلی و وصفی: ۱۱۱

جدول ۳. فراوانی قالب‌ها در آثار دو شاعر

ناصر کشاورز	سه‌خشتی: ۳۸ / چهارپاره: ۵۱ / شش‌خشتی: ۳۴ / هفت‌خشتی: ۹ / نیمایی: ۲ / ابداعی: ۵
محمود کیانوش	سه‌خشتی: ۴۹ / چهارپاره: ۶۶ / شش‌خشتی: ۲۰ / هفت‌خشتی: ۱۹ / نیمایی: ۶ / ابداعی: ۱۰

جدول ۴. ویژگی‌های زبانی

شاعران	افعال	صفات	قیدها	حروف
کیانوش	نبود توجه کافی به تناسب افعال با گروه سنی مخاطب	نبود توجه کافی به تناسب صفات با گروه سنی مخاطب	توجه کافی به تناسب قیدها با گروه سنی مخاطب	توجه کافی به تناسب حروف با گروه سنی مخاطب
کشاورز	توجه نسبی به تناسب افعال با گروه سنی مخاطب	توجه نسبی به تناسب صفات با گروه سنی مخاطب	توجه کافی به تناسب قیدها با گروه سنی مخاطب	توجه کافی به تناسب حروف با گروه سنی مخاطب

جدول ۵. ویژگی‌های فکری

شاعران	موضوعات دینی	موضوعات اخلاقی	موضوعات سرگرمی	سایر موضوعات
کیانوش	۲۶٪ از کل موضوعات	۳۷٪ از کل موضوعات	۲۳٪ از کل موضوعات	۱۴٪
کشاورز	۳۲٪ از کل موضوعات	۴۱٪ از کل موضوعات	۱۹٪ از کل موضوعات	۸٪

جدول ۶. ویژگی‌های ادبی و زیبایی‌شناختی

شاعران	تشبیه	استعاره	مجاز	کنایه
کیانوش	بسامد بالا اما تناسب‌نداشتن برخی تشبیهات با سطح فکری مخاطب	بسامد کم اما تناسب‌نداشتن برخی استعاره‌ها با سطح فکری مخاطب	بسامد بسیار کم باتوجه‌به دشواری مجاز و نبود تناسب با سطح فکری مخاطب	بسامد بسیار کم باتوجه‌به دشواری مجاز و نبود تناسب با سطح فکری مخاطب
کشاورز	بسامد بالا و تناسب نسبی اکثر تشبیهات با سطح فکری مخاطب	بسامد بالا و تناسب اکثر استعاره‌ها با سطح فکری مخاطب	بسامد بسیار کم باتوجه‌به دشواری مجاز و نبود تناسب با سطح فکری مخاطب	بسامد بسیار کم باتوجه‌به دشواری مجاز و نبود تناسب با سطح فکری مخاطب

۵. نتیجه‌گیری

ناصر کشاورز با بهره‌جستن از صنایع ادبی متعدد در آفرینش ایماژ و تصاویر، ایجاد حس و شور سحرانگیز، انسجام‌بخشیدن به اشعارش و تقویت بعد موسیقایی و زیباترکردن شعرش و در به‌کارگیری علم بیان در هر دو حیطة (لفظی و معنوی) موفق ظاهر شده است که در آن، صنایع تکرار، اغراق، تناسب، طباق و تلمیح بسامد بالایی دارند که توجه و حساسیت شاعر را به بعد موسیقایی شعر نمایان می‌سازد. در مجموع درباره‌ی زبان قصه‌ی ترانه‌های ناصر کشاورز می‌توان چنین گفت که بیشتر آثار کشاورز، به زبانی گفتاری، عامیانه، روان و بسیار نزدیک به زبان طبیعی روزمره سروده شده‌اند، بنابراین بسامد کلمات شکسته و لغات و تعبیرات عامیانه و گاه کودکانه در آن‌ها بالاست؛ البته گاه در بعضی از اشعار، برخی از اصطلاحات بزرگسالانه نیز دیده می‌شود که درک آن‌ها برای کودکان کمی دشوار است. متن‌ها دارای جمله‌های کوتاه‌اند و جمله‌های نسبتاً طولانی بسامد بسیار پایینی دارند. بیشتر جمله‌ها دارای نظم طبیعی در ارکان هستند؛ هرچند در بیشتر جمله‌ها

ارکان دستوری به‌ضرورت وزن و قافیه جابه‌جا شده‌اند، این مسئله جمله‌ها را دچار دشواری نکرده است.

کشاورز برای بیان مضامین تعلیمی و اخلاقی از عناصر زیبایی‌شناختی همچون تشبیه و تمثیل و همچنین طنزهای شیرین و گاهی از ایهام و کنایه نیز به شکلی ملایم سود می‌جوید تا آموزش موضوعات اخلاقی برای کودکان خسته‌کننده و درک‌ناپذیر نباشد. ناصر کشاورز تنها شاعری است که همه‌ی شعرهایش در قالب چهارپاره است. وی از موسیقی داخلی به‌صورت معمولی بهره می‌برد و حاضر نیست بار اصلی شعرش را روی موسیقی بگذارد. او بیشتر بار شعرش را روی سوژه‌های زیبا و زاویه‌ی دید کودکان گذاشته است. اشعار محمود کیانوش را از نظر سطح ادبی می‌توان قوی‌ترین نمونه‌ی اشعار به‌حساب آورد. صور خیال به‌ویژه تشبیه، استعاره و تشخیص، بن‌مایه‌ی اشعار او را تشکیل می‌دهد. بیشتر شعرهای کیانوش دارای آرایه‌های ادبی است و بیش از هرچیز از استعاره در شعرهایش بهره می‌برد. کیانوش به تکنیک و ظاهر شعر کودک اهمیت بسیار می‌دهد. بیش از هفتاد درصد اشعار کیانوش در قالب چهارپاره سروده شده‌اند. کیانوش برای تکرارها و موسیقی داخلی بیش از هر چیز اهمیت قائل است و مهم‌ترین ویژگی شعر کودک را در تکرارها و موسیقی می‌داند. به‌طورکلی؛ کیانوش از یک سو با شناختی که از ادبیات جهان داشت و از سوی دیگر به سبب پیوندی که با دنیای بچه‌ها پیدا کرده بود، توانست شعرهایی برای کودکان بگوید که هم وجه ادبی نیرومند داشته باشد و هم مناسب دنیای کودکان باشد. کیانوش توانست با تصرف در وزن‌ها و قالب‌های شعر کهن وزن‌ها و قالب‌های گوناگون اما متناسب برای کودکان و نوجوانان بسازد و در واقع جریان‌ساز باشد. در یک جمله می‌توان گفت محمود کیانوش شعر ویژه‌ی کودکان را در ایران پایه‌گذاری کرد و به آن هویت بخشید.

نتایج توصیفی پژوهش به شرح زیر است:

- زبان شعر این شاعران در حوزه‌ی ادبیات کودک با هم متفاوت است؛ به‌طوری‌که کشاورز بیش از کیانوش به تناسب سطح فکری مخاطبان با زبان شعری خویش توجه کرده است.

- موسیقی در آثار آنها به صورت‌های متفاوتی استفاده شده است و کیانوش بیشتر از کشاورز به موسیقی، اعم از موسیقی درونی و بیرونی توجه نشان داده است. کیانوش از موسیقی داخلی بیشترین بهره را برده است. همچنین تنوع وزنی در شعرش زیاد است، اما در گزینش واژگان کودکانه و رسیدن به نگاه کودک دقت کافی را ندارد.

- نمادها و تصویرهای شعری در آثار این شاعران دارای تناسب با گروه سنی کودک و نوجوان است.

- مضامین و مفاهیم متنوعی در کار این شاعران دیده می‌شود؛ مضامینی که خاص گروه سنی کودک است از قبیل مضامین اخلاقی، دینی، سرگرمی و

- کشاورز بیش از هر چیز به این رسیدن به زاویه‌ی دید کودکانه و استفاده از تکیه‌کلام‌ها و استدلال‌های کودکانه، در شعر کودک اهمیت می‌دهد. همچنین برای او قافیه‌های جدید مهم هستند؛ اما موسیقی داخلی در شعرش کم‌رنگ است. همچنین گاهی زبان شعرهایش سخت و بزرگسالانه می‌شود. کشاورز گاهی از به‌کارگیری آرایه‌های ادبی در شعرش چشم می‌پوشد و تنها به سوژه‌ی لطیف و طنز توجه دارد.

منابع

- ابومحبوب، احمد. (۱۳۷۴). کالبدشناسی نثر. تهران: زیتون.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). دانش‌نامه‌ی زبان و ادب فارسی. تهران: سمت.
- برهمند، نرگس. (۱۴۰۱). بررسی تصاویر (ایماژهای) شاعرانه در شعر کودک ناصر کشاورز و محمود کیانوش با تأکید بر کتاب‌های شعر چاپ‌شده از این دو شاعر در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور بجنورد.
- جعفرقلیان، طاهره. (۱۳۸۴). ادبیات کودکان. تهران: پیام‌نور.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۷). ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

خانی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی مضامین برجسته‌ی شعر کودک در اشعار عباس یمنی‌شریف، محمود کیانوش و ناصر کشاورز. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور ملایر.

رضایی‌دیل، مصطفی؛ نظری، نجمه. (۱۳۹۸). «بررسی سبکی قصه‌های منظوم ناصر کشاورز». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال ۱۲، شماره‌ی ۴۶، صص ۱۸۵-۲۰۳.

زارع، جواد. (۱۳۸۵). بررسی جنبه‌های زیباشناسی شعر کودک و نوجوان (با تأکید بر آثار محمود کیانوش و ناصر کشاورز). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور.

سرخ‌زاده، زهره. (۱۳۹۵). بررسی و تطبیق صور خیال در اشعار کودکان محمود کیانوش و سلیمان العیسی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام‌نور تفت.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۸). ادبیات کودکان. تهران: مؤسسه‌ی اطلاعات.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). کلیات سبک‌شناسی. تهران: میترا

صیادی‌دریاکناری، عباس. (۱۳۹۶). «زیبایی‌شناسی تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام و... در ادبیات کودک با محوریت اشعار محمود کیانوش». مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱، صص ۲۵۹-۲۷۶.

علوی‌فرد، یحیی. (۱۳۹۰). بررسی سبک‌شناختی شعر کودک در ایران با بررسی شعر: محمود کیانوش، مصطفی رحماندوست، ناصر کشاورز، غلامرضا بکتاش، محمود پوروهاب، تقی متقی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه قم.

غفاری، سعید؛ اصغر‌نژاد، حسین. (۱۳۸۷). ادبیات کودکان و نوجوانان. تهران: سپهر دانش.

قزل‌ایاغ، ثریا. (۱۳۸۹). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.

کشاورز، ناصر. (۱۳۷۴). پاییزخانم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۷۰). از قناری تا کلاغ. تهران: کوچک جنگلی.

_____ (۱۳۷۳). مجله خردسال. تهران: قدیانی.

_____ (۱۳۷۲). آب، بابا، ماما. تهران: قدیانی.

_____ (۱۳۷۴). قایق کاغذی. تهران: رویش.

- _____ (۱۳۷۶). *از برگ گل بهتر*. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۷۶). *آه پونه*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۶). *بوی گردوهای کال*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۶). *چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۷). *میوه‌هایش: سلام! سایه‌هایش: نسیم*. تهران: قدیانی.
- _____ (۱۳۷۸). *آدم و پروانه*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۷۸). *سیب‌جان سلام*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۹). *گربه به من می‌داد*. تهران: افق.
- _____ (۱۳۸۰). *بوس نرگس*. مشهد: به نشر وابسته به آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۸۰). *سبزه‌تراز درخت*. تهران: محراب قلم.
- _____ (۱۳۸۲). *موهای شش‌متری*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۸۳). *مداد کوتاه*. تهران: شباویز.
- _____ (۱۳۹۲). *نی نی کوچولو چی کرده فیل‌ها رو قیچی کرده*. تهران: قدیانی.
- _____ (۱۳۷۹). *تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: باز.
- _____ (۱۳۷۹). *شعر کودک در ایران*. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۵۸ الف). *آفتاب‌خانه‌ی ما (دفتر ششم)*. تهران: توکا.
- _____ (۱۳۵۸ ب). *طاق هفت‌رنگ*. تهران: توکا.
- _____ (۱۳۷۰). *باغ ستاره‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۸). *تو چه شکلی هستی؟*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۷۹). *پاتک به لحظه‌ها*. تهران: صریر.

_____ . (۱۳۹۳). *بیچه‌های جهان*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و

نوجوانان.

محرمی، رامین و همکاران. (۱۳۹۶). «بررسی مضامین دو مجموعه‌ی شعر کودکانه‌ی محمود کیانوش با رویکرد مخاطب‌شناسی». *پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، سال ۲، شماره‌ی ۵، (پیاپی ۱۸)، صص ۵۴-۷۰.

ماهنامه دوست خردسالان، سال ۴، شماره‌ی ۲۸۹، صاحب امتیاز: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مدیر مسئول: حجت الاسلام علی کمساری، سردبیر: عبدالله حسن زاده.

محمدبیگی، ناهید. (۱۳۸۹). *رازکای ادبیات کودک و نوجوان* (تحلیل محتوایی کودک؛ قصه و شعر از سال ۱۳۰۰-۱۳۸۵). تهران: ترفند.

یاکوبسن، رومن و دیگران. (۱۳۶۹). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه‌ی مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نی.

Spitzer, Leo. (1974). *Linguistics and Literary History (Essays in Stylistics)*. Princeton University Press.